«وردن سرخ»

چگونه درمقابل سنگین‌ترین حملات تاریخ

ایستادگی میکند والدشمن تلفات وارد میاورد

میدان جنگ — فرار اظهار خبرگزاری شوروی ناحیه استالینگراد اکنون مرکز نبردهای خونینی شده که نظیر آن درگذشته دیده نشده‌است هر دو طرف متخاصم قوای دیگری وارد میدان کارزار نموده‌اند. آلمانها پس از تمرکز کردن واحدهای نیرومندی از تانکها و پیاده‌نظام کوشیده‌اند بخطوط ارتش سرخ را درهم شکسته و استالینگراد را بهرقیمتی که شده بتصرف درآورند. دشمن بدون [illegible] حملات شدید مبادرت میورزد و شب و روز نبردهای خونینی جریان دارد. آلمانها برای تقویت واحدهای فرسوده خویش دائماً واحدهای تازه‌نفس وارد میدان کارزار کرده و [illegible] حمله میبرد. پس از روزهای شدیدی که بیکی از مناطق باختری استالینگراد که آلمانها قوای دیگری در آنجا تمرکز داده بودند بوقوع پیوست دشمن موفق به پیشرفت شده و سه محل مسکونی را بتصرف آورده است. واحدهای شوروی با نظم کامل بمواضع جدیدی عقب نشینی کرده و پس از جمع‌آوری افراد خود در حوالی استالینگراد با یک عزم راسخ و تزلزل ناپذیری مشغول دفاع هستند. [illegible] روزهای [illegible] باختری استالینگراد که آلمانها در آنجا نیز بحمله بسیار شدیدی مبادرت ورزیده‌اند بی آنکه از شدتش کاسته شود همچنان ادامه دارد وارتش سرخ تمام حملات پیاده نظام و تانکهای دشمن را که از طرف عده زیادی هواپیما پشتیبانی میشد دفع کرده است لکن آلمانیها با قبول تلفات بسیار سنگینی موفق شدند یک پیشرفتگی درمواضع دفاعی شوروی ایجاد نمایند در یکی از مناطق باختر استالینگراد آلمانها پس از [illegible] بوده وی حاصل چندین تانک که از کار افتاده بود و همچنین چهارصد تن کشته در میدان جنگ برجای نهادند. درهمان قسمت واحد کوچکی از ارتش سرخ حملات دشمن را دفع نموده و عده کثیری از پیاده نظام و سه تانک دشمن را نابود نمود. آلمانها با نیروی هوائی وسی تانک خود با یک آتشبار ضد هوائی شوروی رو برو شده و خورده‌های شدیدی کردند تنها در یکروز کوچکان آتشبارهای ضد هوائی شوروی شش هواپیمای دشمن را سرنگون نموده و چندین تانک و دو آتشبار خمپاره‌انداز را منهدم کردند و سه گردان پیاده نظام دشمن را قلع وقمع نمودند.

مسکو — [illegible] خبرنگار خبرگزاری انگلیس چنین گزارش میدهد آلمانها دائماً سربازان و توپها و تانکها و هواپیماهای جدیدی در جبهه استالینگراد که آنرا باید (وردن سرخ) نامید داخل درمیدان کارزار مینمایند مقدار مواد و مهمات جنگی و نیروئی که آلمانها داخل در عرصه نبرد میکنند بقدری زیاد است که در [illegible] جنگ آلمان و شوروی سابقه نداشته است ارتش سرخ مأموریت یافته که بهرقیمتی که شده است از [illegible] نگهداری نماید [illegible] پیشرفتی [illegible] حملات شدید [illegible] روزنامه ستاره سرخ [illegible] های نیرومندی از نیروی هوائی آلمان [illegible] شوروی [illegible] پیاده نظام و تانکهای آلمانی درهم شکسته و [illegible] روزنامه [illegible] نیروی [illegible] شوروی در [illegible] نوروسیسک شرکت میکنند و [illegible] شوروی [illegible] مورد [illegible] قرار میدهند در نوروسیسک [illegible] آلمانی [illegible] حاصل کرده و در [illegible] شمال باختری [illegible] هوائی شوروی در طی [illegible] خطوط آهن آلمان را [illegible] منهدم نمودند.

آلمانها بجان یکدیگر افتادند

نوروسیسک چگونه تخلیه شد

جبهه باختری — خبرگزاری شوروی خبر میدهد [illegible] یکی از نقاط جبهه باختری چند واحد از نیروی آلمان [illegible] که خود آلمانها بوده و بجان هم افتاده و تلفات بسیار سنگینی [illegible] توپخانه آلمان مواضع خودشان را با شدت هرچه تمامتر گلوله باران کرده و از طرفی هم هواپیماهای بمب‌افکن [illegible] نیروی پیاده را بمباران نمودند و بین دو گروهان از نیروی آلمانی نیز زدوخوردهای خونینی درگرفت [illegible] یکی از واحدهای نیروی شوروی [illegible] سرجوخه (اونجر) که جزو [illegible] لشکر آلمانی بوده و اسیر گردیده هنگام بازپرسی چنین اظهار داشته‌است ([illegible] نیروی شوروی [illegible] نیروی ما را محاصره [illegible] در آن هنگام که نبرد بمنتهای شدت خود رسیده بود [illegible] فرمانده ما [illegible] از ستوانان فرمان داد که [illegible] مواضع توپخانه خودمان [illegible] اطلاع دهد که [illegible] برنیروی خودمان [illegible] این ستوان از اینسو بآنسو فریاد میکرد که گلوله‌های توپخانه آلمان سربازان مرا نابود میسازد سیم تلفن نیز قطع شده بود و بهمین جهت تلفات سنگینی دادیم.

این جنگ [illegible] متصل تلفات سنگین گردید و بسیار [illegible] واحدهای آلمانی [illegible] آتشبارهای سنگین آلمانی آسیب بسیار وارد آمد. سرجوخه ([illegible]) از [illegible] گروهان چهارصد و [illegible] لشکر [illegible] چنین [illegible] آتشبارهای آلمانی و آتشبارهای شوروی [illegible] نیروی ما [illegible] بیست [illegible] طول انجامید و در این ضمن نیروی ما تلفات بسیار سنگین وارد آمد [illegible] پس از این مدت توپخانه ما آتش خود را [illegible] و در این هنگام هواپیماهای [illegible] برفراز آسمان پدیدار شده و [illegible] مواضع ما [illegible] سرجوخه ([illegible]) از [illegible] لشکر [illegible] آلمانی [illegible] ما [illegible] ما وارد آمد [illegible] سنگین بود که فرماندهی نیروی آلمان [illegible] ارتش [illegible] فرمان داد که بمواضع [illegible] جبهه [illegible] گروهان دوم ما که [illegible] ارتش شوروی [illegible] ارتش جدا مانده بود [illegible] در آنجا [illegible] قرار گرفت. فرمانده این گروهان سربازان خود دستور داد که [illegible] پاسخ دهند. درنتیجه زدوخورد شدیدی درگرفت

پیاده شدن نیرو بماداگاسکار و پیشرفت وی

سنگین‌ترین بمبارانها به دوسلدرف

لندن — چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد اعلامیه‌ئی که از طرف فرمانده کل ارتش در افریقای خاوری انتشار یافته مشعر بر آنست که روز پنجشنبه سپیده دم نیروهای [illegible] در کرانه باختری (ماداگاسکار) و جزیره (نوسی‌به) واقع در سمت شمال و ساحل (ماژونگا) و (موروندوا) در سمت جنوب پیاده شدند. (نوسی‌به) با اینکه مختصر مقاومتی ابراز داشت زودی بدست ما افتاد. در (ماژونگا) هم مقاومت مختصر فرانسویان بسرعت مرتفع شد و [illegible] لشکری آنجا شهر را تحویل [illegible] پیاده کردن نیرو در (موروندوا) واقع در سمت جنوب بمقاومت [illegible] مواجه گردید ولی نیروی ما در آنجا پیشرفت خود را بسوی [illegible] — (امبوسیترا) ادامه داده و در این ضمن که نیروهای ما در این نقاط پیاده میشدند ستون دیگری از ارتش ما بسوی جنوب منطقه تصرفی (دیگو — سوارز) رفتند. از آخرین اخبار که دیروز رسیده معلوم میشود نیروهای ما منظماً بسوی (آمباژا) واقع در کرانه باختری مشغول پیشرفت میباشند.

واشی — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد طبق اطلاعاتی که به ویشی رسیده نیروی انگلیسی که به سوی (تاناناریو) مرکز ماداگاسکار پیش [illegible] در [illegible] میلی ماژونگا و [illegible] شصت میلی تاناناریو واقع است [illegible] امروز [illegible] در کناره رودخانه ([illegible]) چند میلی (موروندوا) [illegible] و کشتیهای جنگی نیز [illegible] واقع در باختر جزیره و [illegible] میلی (موروندوا) [illegible] نیروی انگلیسی ([illegible]) را اشغال کردند.

قاهره — طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس دیشب دسته بزرگی از بمب‌افکنهای سنگین و متوسط انگلیس [illegible] طبرق را بمباران کرده و بر کشتیها و تأسیسات [illegible] حمله بردند و در [illegible] وقسمت جنوب باختری [illegible] حریق هائی برپا کردند و انفجارهائی تولید نمودند و در کرانه جنوب نیز حریقهائی ایجاد کردند و فرودگاه [illegible] را بمباران نمودند در قطعه ده میلی شمال باختری طبرق دود سیاه و غلیظی برخاست این دود بر اثر حریقهائی بود که بدست هوانوردان انگلیسی بوجود آمده بود و معلوم میگردد آن دود [illegible] جاده کرانه این نقاط بین طبرق و سلوم نیز بمباران گشت.

لندن — خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد شب گذشته که یک شب تاریک و بی مهتابی بود طی شدیدترین حمله‌ئی که از طرف بمب‌افکنهای انگلیس بر (دوسلدرف) شده و هزاران بمب آتش‌زا آنجا ریخته شده آن شهر حال کوره‌ئی را پیدا کرده‌است. خلبان یک هواپیمای لنکاستر که در این حمله شرکت داشته اظهار میدارد در مراجعت [illegible] که [illegible] همواره روشنائی حریقها را در خاور میدیدم سروانی که فرمانده یک دسته هواپیما بود و برای تهیه گزارش مخصوص تا آخر حمله در آنجا مانده بود میگوید از این حریقهای وسیع دودهای انبوه بهوا برخاسته بود. حمله [illegible] از یک ساعت طول کشید. سرعت بمباران [illegible] نیروی ضد هوائی دشمن [illegible] بطور تأثیر بخشی عملیاتی انجام دهد.

لندن — چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت دریاداری اعلام داشته است امروز سپیده دم در نزدیکی کرانه هلند یک کشتی مینکش آلمانی غرق گردیده است و احتمال غرق یک کشتی مشابه بدست آتشبارهای ضد هوائی نیز میرود و یک کشتی مسلح و دست کم [illegible] کشتی مخصوص حمل و نقل دیگر نیز بدست نیروی دفاع کرانه‌های انگلیس آسیب فوق العاده دیده‌اند. این نتایج [illegible] عملیات که بر علیه یک قطار کشتی آلمانی و چندین ناو مشابه صورت گرفته بدست آمده است.

قاهره — طبق اطلاع خبرگزاری [illegible] یک منبع که پس از [illegible] در صحرای باختری [illegible] نیروی انگلیس [illegible] (ژنرال [illegible]) [illegible] ژنرال (مونتگومری) فرمانده [illegible] واحدهای خود [illegible] گرده و [illegible] به فرمانده سربازان اعطاء شود.

که طی آن بر دو طرف تلفات سنگینی وارد آمد [illegible] ما در [illegible] که مورد [illegible] قرار گرفته بود قبلاً از طرف گروهان اول گردان [illegible] بود و [illegible] در طرف [illegible] آلمانی قرار گرفته [illegible] سربازان ما وقتی که براین امر اطلاع یافتند [illegible] فرماندهی نیروی آلمان [illegible].

میدان جنگ — خبرگزاری شوروی خبر میدهد در ناحیه نوروسیسک [illegible] برشدت خود میافزاید آلمانها با دادن تلفات سنگین از لحاظ افراد و آلات جنگی موفق گردیدند در کوچه‌های شمال باختری شهر وارد شوند. در کوچه [illegible] درگرفت و طی [illegible] ارتش سرخ [illegible] دشمن تلفات [illegible] وارد آوردند. آلمانها بسوی مواضع نیروی سرخ پیشرفت کرده و در صدد بر آمدند از موقعیت خود استفاده کنند. در این منطقه نیروی [illegible] دشمن استقرار یافت. توپخانه‌های شوروی [illegible] و پیاده نظام شوروی حملات متقابل دشمن را پاسخ دادند. طولی نکشید که آلمانها بر شدت حملات خود افزودند ولی این حملات دفع گردید در کوچه‌های خارجی نوروسیسک و پیرامون [illegible] بسیار نزدیک [illegible] آلمانها عده زیادی [illegible] و اتومبیل زره‌پوش از کار افتاده در میدان جنگ باقی گذاشتند و تلفات نیروی آنها بیش از دو گردان پیاده نظام بالغ گردید. طبق اظهاراتی که اسیران جنگی آلمان و اسیران رومانی [illegible] طی روزهائی که در نزدیکی نوروسیسک در گرفته دشمن تلفات فراوان داده صفوف سوار رومانی [illegible] طی این روزها درهم شکسته شده و [illegible] تلفات وارد آمد که بسیاری از لشکرها هریک بیش از نصف سربازان خود را ازدست داده‌است برای پر کردن شکافهائی که نیروهای شوروی در خطوط دشمن ایجاد نموده و تلفات سنگینی وارد نموده آلمانها واحدهای خود را از کریمه احضار نموده‌اند.

مسکو — طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس اعلامیه دولت شوروی که دیشب انتشار یافته چنین اشعار میدارد روز پانزدهم سپتامبر نیروهای ما در باختر وجنوب باختری استالینگراد و در ناحیه موزدوک و ناحیه [illegible] و در منطقه واقع [illegible] زدوخوردهائی [illegible] نمود. نیروی سرخ پس از چندین روز زدوخورد شهر نوروسیسک را تخلیه کرد

اعتصاب همگانی در لوکزامبورک

اولین مشت اروپا بدهان هیتلر محسوب میشود

مسکو — خبرگزاری شوروی خبر میدهد روزنامه پراودا ضمن تفسیر اطلاعات مربوط بوقوع اعتصاب در «لوکزامبورک» چنین مینویسد در پاسخ بدرخواست بسیج شدن جوانان لوکزامبورک برای خدمت در ارتش هیتلری در این کشور اعتصاب عمومی صورت گرفته است. چون در عرض چهار ماه اخیر هفتاد و سه لشکر آلمانی در جبهه شوروی نابود گشته هیتلر آخرین افراد نیروی ذخیره خویش را بمیدان جنگ فرستاده است. فصل زمستان نزدیک میشود و بهمین لحاظ لازم است همواره لشکرهای زیادتری آماده کارزار گردد. آلمانها [illegible] گذرانیده و از روی کمال یأس در صدد یافتن چیزی برآمدند که هرگز بدست آمدنی نیست. هیتلر با موسلینی و هورتی و آنتونسکو درباره گرفتن سرباز چانه ها زده در نروژ و فرانسه و دانمارک و هلند هم حکومت های دست نشانده پوشالی از میان تبهکاران [illegible] را بنام «[illegible] داوطلب» استخدام کردند. هیتلر تمام اروپا را بخشم و غضب آورده است. از وضع جریان وقایع معلوم است که وی مجبور گردیده از روی نهایت نومیدی تصمیم هائی بگیرد. وی بخود جرئت داد بسیج نمودن سرباز در اروپای [illegible] مبادرت جسته و شروع این اقدام را در لوکزامبورک کرده و با خود گفته قطعاً این کشور کوچک چندان مقاومتی در برابر این تصمیم ابراز نمیدارد. هیتلر در اوقاتیکه لوکزامبورک را به آلمان ملحق ساخت نخستین اقدامی که کرد آن بود که حکم بسیج جوانان این کشور کوچک را صادر نماید ولی جوانان لوکزامبورک [illegible] ملحق گردید کارگران لوکزامبورک حاضر نشدند در [illegible] راه آهن و [illegible] کارخانه‌های مخصوص ساخت آلات و ادوات جنگی آلمان کار [illegible] حمل میکردند از [illegible] باز ایستاده است جریان برق کارخانه‌[illegible] در آن فلز برای ساختمان‌های آلمانی ذوب میشود قطع شد اکنون آلمانها بزور سر نیزه واعدام اشخاص قصد دارند در لوکزامبورک «نظم نوین» برقرار نمایند ولی وقایع لوکزامبورک اثر خود را خواهد بخشید. این نخستین اعتصاب عمومی است که در اروپای اشغال شده رخ میدهد. این مخالفتی است که آشکارا در برابر نظم نوین صورت میگیرد. این خود اخطار بزرگی است که به هیتلریها داده میشود. هیتلر نمیتواند حتی در کشورهائی هم که اشغال شده و تحت تبعیت درآمده آرامش و امان [illegible]. اوضاع کم کم رو بوخامت میرود و نزدیک است [illegible] این اوضاع [illegible] مربوط به بسیج سربازان ذخیره [illegible] ممکن است موسلینی را مجبور کند که [illegible] لشکر [illegible] جبهه اعزام دارد [illegible] هم از آنتونسکو [illegible] بشود و در اینصورت وی اطاعت خواهد کرد. ممکن است هیتلریها [illegible] هورتی نایب السلطنه مجارستان را که از اعزام نیروی مجار به جبهه [illegible] قول رسانده ولی نمیتوانند تمام اروپا [illegible] نمیتوانند ملت لوکزامبرک و [illegible] فرانسه و ملت نروژ را قتل عام کنند حتی [illegible] هیتلری نمیتواند [illegible] ملت لوکزامبورک از قیام و پایداری برای دفاع از آزادی و شرافت خویش [illegible] تمام اروپا از هیتلر [illegible] نفرت دارند [illegible]. آنچه اکنون در لوکزامبورک روی داده ممکن است در هر موقع و هر لحظه و در هریک از کشورهای اشغال شده روی دهد. چیزی که [illegible] هیتلریها [illegible] هم وقوع چنین خطر بزرگ میباشد.

فرار از محاکمه «گاندی مخرب بزرگ»

موفقیت دریائی امریکا در خاور دور

برلن — فرار اظهار خبرگزاری انگلیس خبرگزاری رسمی آلمان گزارش داده که طی [illegible] یکی از فرانسویان [illegible] اين محاكمه را [illegible] مفهوم قرار کرده.

لندن — فرار اطلاع خبرگزاری انگلیس [illegible] مذاکراتی که در مجلس شورای ملی راجع بهندوستان جریان یافته (امری) وزیر امور هندوستان «گاندی» را «مخرب بزرگ» قلمداد و اظهار داشته گاندی همواره یک عنصر مخرب است امری در ضمن اظهارات [illegible] نسبت به آینده اظهار خوش بینی [illegible] اظهار داشت که [illegible] هندوها [illegible] قانون اساسی کشور [illegible] در آینده. حکومت هندوستان تا زمانی که ممکن بود صبر و حوصله کرد [illegible] کمیته کنگره [illegible] تشکیل شده [illegible] حکومت هندوستان [illegible] تصمیمی که [illegible] حکومت [illegible] و [illegible] این تصمیمات هندوستان را از یک مصیبت بزرگی نجات داد [illegible] اظهار داشت کنگره [illegible] برای [illegible] زندگی [illegible] برای [illegible] و آسایش هندوستان [illegible] کنگره [illegible] هندوستان [illegible] میکرد و دفاع [illegible] پس گرفتن [illegible] از دست ژاپنیها را [illegible] ممکن [illegible] اطلاعات [illegible] رفع نشده‌است [illegible] لازم از این نیست که بدون حصول [illegible] کنگره [illegible] مذاکره شوم باید منتظر بود که کنگره [illegible] نظر خود را تغییر دهد. درهر صورت دولت هر پیشنهادی را در دایره کلی سیاست خود خواهد پذیرفت [illegible] مذاکرات خود در هندوستان چنین اظهار داشت [illegible] اوضاع [illegible] کنگره برای قبول مذاکره تصمیم گرفته بود ولی [illegible] گاندی آن تصمیم را ملغی کرد.

نیویورک — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد [illegible] گزارش یکی از خبرنگاران روزنامه‌ها که همراه نیروی دریائی امریکا در آبهای جزایر سلیمان میباشد [illegible] یک کشتی زره‌دار [illegible] ژاپنی [illegible] در اثر حمله [illegible] هواپیماهای [illegible] امریکائی [illegible] آسیب وارد آمد [illegible] هواپیماهای امریکا [illegible] هواپیماهای نیروی [illegible] امریکا [illegible] ژاپنی را مشاهده نمودند [illegible] امریکائی بر یک کشتی زره‌دار ژاپنی خسارت وارد آوردند [illegible] ضد هوائی دشمن [illegible] یک [illegible] ژاپنی آسیب وارد نمودند.

یادداشتهای زندان

محابس

—۳۸—

از آن جمله مرتب [illegible] ساق- [illegible] که میزان وقاحت ها و بیشرمی [illegible] او را روشن ساختیم و دیگر نایب [illegible] تجربه خوانی که دو جانبه یاوری آسیاب را بالای سر خود نمیتوانست [illegible] و یکی هم آژدان رزی معروف است، از این لحاظ آژدان رزی را بصفت [illegible] معروف کردیم که [illegible] دور ماه [illegible] و این بطور عجیب [illegible] بینه.

این آژدان [illegible] که شاید [illegible] ها قد بلند و ته چانه و موهای [illegible] بصورت [illegible] آب [illegible] ارائه [illegible] این شخص بواسطه سابقه ممتدی که در زندانبانی دارد اگر یکی دو روز از زندان دور شود بیمار و مریض [illegible] که شرح آن گذشت [illegible] او برای ما تعریف می کرد که کسی که در آن زندان اولین محبوس [illegible] نمره ۲ (حبس تاریک و نظیر ۱۰) پذیرفت من بودم و آب [illegible] بود و کسی که آخرین [illegible] رفت من بودم و [illegible] بود و پس از خراب شدن آن توقیفگاه و افتتاح این بازداشتگاه باز کسیکه اولین محبوس را وارد اطاق و سلول خود کرد من بودم تا خدا چه ها چه خواهد و این را با آب و تاب عجیبی میگفت و بآن افتخار میکرد، مشعرا بیست به الی ۳۰ سال سابقه خدمت در زندان دارد.

خوراک خوردن آژدان برای [illegible] نظیر بود [illegible] الی ٤ الی ۳۰ الی ٤۰ کاسه آش یا آبگوشت را میخورد [illegible] قول مرحوم دکتر ارانی روده های او تا کف پاهایش امتداد داشت. دیگر از خواص عجیب این مرد [illegible] اگر [illegible] از جمله یکنفر زندانی در ۱۳۰۷ توقیف شد پس از مدتی آزاد و مدت ۳ سال در آزادی سر برد تا دوباره بازداشت گردید. روزی که او را آوردند اتفاقا روز کشیک [illegible] بود فردای آنروز وقتی آمد و او را دید گفت: آقا باز شما را [illegible] اطاق خود [illegible] آوردند در حقیقت زندانی مزبور را [illegible] ۱۹ که پیش از مرخصی [illegible] داشت مکان داده بودند.

در ناحیه مردوک ابتکار در دست شوروی است

پیرمردها و بچه ها بر ضد چتربازان آلمانی

میدان جنگ — خبرگزاری شوروی [illegible] در منطقه (مردوک) نیروی [illegible] واحد های نیروی دشمن که در کناره جنوبی رود [illegible] بوده میباشد. [illegible] چتربازها [illegible] از منطقه یکی از واحدهای ما [illegible] هنگام روز [illegible] سنگر [illegible] آورده [illegible] چند تانک و چند کامیون دشمن را از کار انداخت. در این منطقه [illegible] واحد های نیروی ما با پشتیبانی [illegible] از جمله متقابل نموده و از موقعیت [illegible] و ابتکار عملیات را بدست آورد بطوریکه دشمن [illegible] واحد [illegible] عقب نشینی [illegible] افسر و سرباز [illegible] در میدان جنگ باقی گذاشت [illegible] از کار انداخته شد و مقداری [illegible] توپ و آلات و ادوات جنگی بدست نیروی ما در آمد.

مسکو — در یکی از [illegible] باختری نیروهای شوروی [illegible] خبرگزاری شده دشمن [illegible] پیشرفت [illegible] توپخانه شدید سلاح خود داخل [illegible] یک محل مسکون شدند. واحد های شوروی چندین تانک آلمانی و مقدار زیادی مواد و مهمات جنگی دشمن را بدست آورده و [illegible] شوروی [illegible] را [illegible] پنجاه [illegible] توپ و چهار [illegible] مسلسل [illegible] از کار انداختند.

مسکو — طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس نیروهای آلمانی در [illegible] زیر [illegible] نیروی [illegible] هوائی شوروی همواره [illegible] میروند.

مسکو — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد در نقاط [illegible] یک قصبه [illegible] چند [illegible] آلمانی [illegible] نشسته ولی اهالی آن قصبه که بیشتر شان پیرمرد و پیرزن و بچه بودند تمام [illegible] دشمن را [illegible] مسکو که این خبر را [illegible] اطلاعات خود میگوید [illegible] پیش [illegible] این قصبه را اشغال کرده بود مردم این قصبه خبر را با اطلاع [illegible] نیروی [illegible] رسانیده ولی تصمیم گرفتند [illegible] را خفه [illegible] لازم است [illegible] مشغول [illegible] کهنه ای را که چند [illegible] پیش [illegible] از آن استفاده میکردند بدست آورده و [illegible] حمله [illegible] از پیرمردان خود را قلب یکدسته آلمانی ها زده و افسرشان را کشتند. هرچند خود [illegible] اهالی قصبه کشته شدند ولی یکدسته از نیروی شوروی [illegible] موقع رسیده و این [illegible] از آلمانها [illegible] نابود [illegible].

گوناگون

ارزانی اندر ارزانی

(ظرف‌هایکه در آلمان مواد خام [illegible] موجودیت اغلب اجناس مورد احتیاج را از مواد ساختگی تهیه [illegible] که مواد اولیه ساختگی ارزانی یا جانشین میگویند.)

علاوه بر اینکه نان در آلمان از چندی پیش اصولا از مخلوطی از گندم وسایر مواد ساختگی تهیه میشد اخیرا در نانوائیها ماده شیمیائی جدیدی به آن اضافه شد بطوریکه ۳۰٪ از مواد نان [illegible] شیمیائی میباشد. با وجود [illegible] میگویند که نان مذکور در عین [illegible] از حیث ظاهر شبیه به نانهای قبل از جنگ باشد لیکن [illegible] موفق نگردیده اند و [illegible] از حیث تهیه و پخت هم بسیار زحمت دارد.

ویران شدن شهر برمن (آلمان)

با وجود اینکه معمولا اهالی آلمان از [illegible] شهر های خود اطلاعی بوسیله [illegible] رسمی کسب نمی کنند و وسائل [illegible] سعی میکنند که اینگونه اطلاعات را مخفی یا بسیار ناچیز جلوه دهند لیکن اهالی آلمان اغلب از کلیه این اطلاعات [illegible] که توسط اطلاعات مخفی منتشر میشود مستحضر میگردند.

مثلا آنها مستحضر میشوند که موقع [illegible] برمن کشتی جنگی [illegible] کشتی ویران شده [illegible] این [illegible] خسارت [illegible] هم خراب شده [illegible] یکدیگر را [illegible].

اهالی شهر برمن مخصوصا از [illegible] موحش [illegible] مضطرب شده بودند و در این موقع [illegible] جرأت پرواز بر فراز شهر های آلمان را نخواهند داشت [illegible].

اختراع یک کارگر

کارگری از کارخانه هواپیماسازی (دوگلاس) [illegible] آمریکا موفق به اختراع یکنوع [illegible] مخصوصی شده است ساختمان آن [illegible] شبیه یک چرخ [illegible] معمولی است که رکاب آن [illegible] طرف محور چرخ قرار گرفته و نشیمن آن دو دست در بالای چرخ واقع شده است.

تفریحی

موسولینی و غارها

در ضمن اجلاسی که [illegible] آلمانی از ایتالیا طرف آلمان میبرند یک کمیسیون [illegible] موسولینی در حالیکه [illegible] کمیسیون [illegible] به غارها [illegible] میگوید:

— آقایان غارها را خواهش میکنم [illegible] یکدسته دیگر [illegible] دهید

— دیگر دیر شده است [illegible] ما را به آلمان میبرند. (توضیح آنکه [illegible] یک روز صبح [illegible] طایفه ای از اقوام وحشی [illegible] هجوم میبردند. غارهائی که [illegible] آمده از صدای آنها [illegible] شهر از خواب بیدار شده و بوسیله [illegible])

[illegible]

ژنرال: آقای سرهنگ [illegible] اینکه [illegible] شایستگی خود را ثابت [illegible] بعد از این [illegible] فرمانده گروهان خواهید بود.

سرهنگ: [illegible] آقای ژنرال پس از جمله [illegible] از هنگ من یک گروهان هم بیشتر باقی نمانده است.

مصاحبه دو زن در رومانی

زن اولی: پسرهایم از اورال مکتوب نوشته اند.

زن دومی: راستی، پسرهایت به اورال رسیده اند؟

زن اولی: اینطور چرا خیال میکنی [illegible]

۱۴۰۰۰۰۰ وات

اخیرا در آمریکا بزرگترین دستگاه [illegible] دنیا را ساخته اند. [illegible] این دستگاه [illegible] مخصوص [illegible] آن [illegible] ۱٤ [illegible] های آن بطول ۳۰ پا میباشد. [illegible] دستگاه [illegible] یکی از [illegible] دیگر [illegible] قدرت این دستگاه ۱٫۴۰۰٫۰۰۰ وات میباشد.

قلم ژ - ب - مرلی

ترجمه: ناصر وثوقی

—۱۸—

سقوط باستیل

۲- شاه در ورسای و هجوم زنها

همه مردم طرف کوچه‌ئی که از آن صدای طبل بلند بود روی آوردند و صدای گرپ گرپ با هر صدای دیگری را در خود محو میکرد. نزدیک آن کوچه فریاد زنی شنیده میشد که با صدای طبل مخلوط شده و موسیقی یکنواخت وحشت انگیزی ایجاد کرده بود. نان! نان! نان! نان! جمعی از زنهای آشفته و گرسنه و مضطرب دنبال طبال را گرفت. طبال زنی بود جوان [illegible] از اهالی مارکوت که [illegible] صدای طبل بلندتر شد [illegible] مردم هم [illegible] دور طبال را گرفتند. هنوز کسی نمیدانست چه میخواهند و بکجا میروند ولی اسلحه های جور واجور از اینور و آنور بیرون آمد. تبرهای کوچک و بزرگ کاردهای گوشت خوردکنی کفگیرهای مطبخ [illegible] زره های زنگ خورده و پوسیده و چیزهای دیگر. فریادهای زیادی با هم مخلوط شده بود و همه نان! نان! میکردند. [illegible] غارت شد و [illegible] طبل هرج و مرج و شورش وسعت پیدا میکرد. [illegible] طبل را که [illegible] مثل کودک عزیزی در آغوش داشت و از میان کوچه های پیچ و پیچ و خم رد میشد یکسره جلوی شهرداری رسید که مثل کوهی برسرپا ایستاده بود. افراد گارد ملی جلوی شهرداری صف کشیده بودند ولی با مشاهده جمعیت راه را باز کردند. باز هم فریاد جمعیت [illegible] اسلحه! نان! مردم از پله ها بالا رفتند و [illegible] شدند [illegible] فرمانده سربازان گارد ملی [illegible] اینور و آنور زد که شاید به سربازان خود مددی برساند و جلوی مردم را بگیرد ولی کاری از دستش بر نیامد. زنها با جیغ و داد آنقدر به در [illegible] لگد زدند و مشت کوبیدند تا آنرا شکسته و داخل [illegible] اسلحه را باز کردند تفنگ ها را با کیسه های پول برداشته [illegible] از پله ها پائین آمدند. حالا دیگر فریاد میزدند ورسای! ورسای! شاه را بپاریس برگردانید!

مثل اینکه آن زن مارکوتی را از طبل زدن خسته شده بود [illegible] جولان دادن به ماریا رسید. طبلی برداشت و در میان گروه [illegible] ایستاد [illegible] خود کرد.

زنها [illegible] خودشان [illegible] چه باید کرد [illegible] صدای طبل ماریا با آن قیافه گیرا و [illegible] که سرتاپا سیاه پوش بود همه را متوجه خود و بطور خود کشانید. جمعیت با هلهله و فریاد [illegible] را در میان گرفت و دنبال او براه افتاد. مردان و زنان را از توی کالسکه ها [illegible] دکانها بیرون میکشیدند و با خود همراه میساختند. [illegible] این جمعیت زنهای ماهی گیران ناحیه هال بیشتر از دیگران خود نمائی میکردند زیرا آنها خود را مرد میدانستند و همهٔ شان سینه های فراخ و عضلات محکم و صداهای مردانه داشتند [illegible] زنها پشت سر ماریا جا گرفته و فریاد [illegible] آنها صدای [illegible] را در خود نابود میکرد. همه مردم و مخصوص [illegible] زنها که گرسنگی [illegible] به آنها فشار می آورد و روده [illegible] را خورده بود از [illegible] روز اول اکتبر [illegible] آورده و نمیدانستند با وجود اینکه گرسنگی همه را گرفته نام این [illegible] چه بگذارند. حالا که خودشان از این [illegible] هرج و [illegible] عجیب [illegible] کسی هم [illegible] راه دراز و ۱۲ میلی ورسای را پیش گرفته تا آنجا [illegible] این شوخیهای خطرناک [illegible] را [illegible] پائین [illegible] امروز ۵ اکتبر بود.

جمعیت خود را بگل ولای میکشید و پیش میرفت سرودهای آزادی مردم را از همه جا بی خبر میکرد و بجلو میراند تا بعمارت [illegible] رسیدند. در همین موقع [illegible] ولایت میخواستند از آنها جلوگیری کنند و نگذارند کار بیخ پیدا کند. چند [illegible] مجلس ملی فرستادند تا شاید آنها کاری انجام دهند و صدای مردم را بگیرند. افراد گارد ملی بوسیله [illegible] شدند. اما گارد ملی با قدمهای موزون و محکم پیش آمد و [illegible] آن فریاد میزدند بطرف ورسای! آنها هم از مهمانی و ضیافت روز اول [illegible] شنیده بودند و دلخوریها داشتند. آنها نمیتوانستند از پیشرفت زنها جلوگیری کنند زیرا خودشان هم از آن اوضاع [illegible] در [illegible] نگاه میکردند.

[illegible] اوستروفسکی

ترجمه: ا. شعله

فولاد آبدیده

(۲)

فصل یکم

پاول حرفی نزد ساکت ماند. [illegible] آهنی [illegible] ها را در دست گرفته [illegible] یک چیز کاملا آشکار شده بود:

— اینرا هم از راه در بردند بی شرفها. آه فروسیا، فروسیا

دنیا در نظر پاول تیره و تار شد. خیانت و بی شرمی از در و دیوار [illegible] در نظر پاول منفور گشت و کینه اش عمیق تر [illegible] فرو رفت.

«چرا [illegible] زور ندارم! این جانی بیشرف را اینقدر بزنم که از حال برود [illegible] مثل [illegible] بزرگ و پرزور نیستم؟»

[illegible] زبانه ها [illegible] قرمز و آبی [illegible] می کردند.

پاول خیال میکرد که کسی زبانش را در آورده [illegible] و او را [illegible] مسخره میکند.

اطاق ساکت بود فقط گاهگاهی آتش زیر اجاق [illegible] و صدای ریزش قطرات آب شیر لوله کشی شنیده میشد.

کلیمکا آخرین دیگ [illegible] و تر و تمیز کرده را روی [illegible] گذاشته [illegible] میکرد. توی آشپزخانه هیچکس نبود آشپز کشیک و زن های کارگر توی رخت کن خوابیده بودند ساعت سه بعد از نصف شب آشپزخانه [illegible] میشد. کلیمکا تمام این ساعات را در بالا با پاول بسر میبرد. شاگرد [illegible] پاول [illegible] خوب بهم در آمده [illegible].

کلیمکا که بالا آمد دید پاول درب اطاق را باز کرده جلو آن چمباتمه نشسته است. پاول روی دیوار [illegible] کلیمکا را [illegible] همین اینکه سرش را بطرف او برگرداند گفت:

— نشین کلیمکا.

شاگرد آشپز توی [illegible] گاهی روی [illegible] ها و قاب دستمالی که بهت [illegible] کرده بودند دراز کشیده به پاول که همین طور ساکت نشسته بود نگاه کرده با لبخند پرسید:

— تو چکار میکنی؟ روی آتش جادو میکنی؟!

پاول [illegible] چشمانش را از زبانه های آتش برگرداند. دو چشم بزرگ [illegible] بصورت کلیمکا دوخته شد در آن دو چشم [illegible] و ظاهر [illegible] ملاحظه کرد اولین دفعه بود که کلیمکا در چشمان رفیقش همچه غصه ای را میخواند.

— تو چت؟ پاول امروز مثل اینکه —

[illegible] کمی صبر کرده پرسید:

— مگر [illegible] افتاده؟

دستهای پاول که روی زانو هایش بود صورت مشت گره زده در آمده با صدای خفه جواب داد:

— هیچ چیز اتفاق نیفتاده، کلیمکا. اینجا [illegible] میکرد.

کلیمکا روی آرنجها [illegible] کرده ادامه داد:

— امروز چه خبرت شده؟

— میگوئی امروز شده؟؟ همیشه بوده. از همان روز که اینجا شروع بکار کردم. تو ببین اینجا چه کارهائی که نمیکنند!! [illegible] هر کار میکنیم عوض [illegible] هر کس دلش خواهد کتک میزند. کسی نیست بگوید آخر چرا [illegible] اگرهم [illegible] همه را [illegible] راضی کنی هر کس هم [illegible] باشد [illegible] کف دست [illegible] صبح تا شام جان بکن. همه اش هم که مبادا کسی از تو ناراضی شود بالاخره [illegible] حرف [illegible] و قالی [illegible] را [illegible] وآخ نگوئی

کلیمکا [illegible] وسط حرف پاول دوید:

— یواش داد نزن ممکن است کسی بیاید و بشنود.

پاول از جا بلند شد.

— چهم، بگذار بشنوند. در هر صورت من از اینجا میروم. بروی روی خیابانها برف پارو کنی باز هم بهتر است. اینجا قبرستان است. دزد زیاد است هر کدام از آنها چقدر پول دارند. ما را آدم حساب نمیکنند با زنها هم هر چه میخواهند میکنند. بیچاره ها هر کدامشان [illegible] داشته باشند و تسلیم [illegible] بیرونش میکنند [illegible] اینجا تمام دختران بیکس و بی خانمان و گرسنه را جمع میکنند. آنها [illegible] شکم [illegible] اینجا [illegible] و از ترس گرسنگی [illegible] میدهند.

او طوری با هیجان صحبت [illegible] این حرفها را میگفت که کلیمکا از ترس اینکه مبادا کسی حرفهای آنها را بشنود زود بلند شده در طرف [illegible] به آشپزخانه را بست.

پاول اعتنائی نداشت. هرچه در دل داشت میگفت:

— [illegible] کلیمکا [illegible] تو [illegible] نمیگوئی، چرا [illegible]

پاول خسته و کوفته روی چهار پایه نزدیک میز نشست و سرش را روی دستها تکیه داد.

کلیمکا [illegible] را هیزم گذاشته او هم نزدیک میز نشست و از پاول پرسید:

— امروز چیزی نمیخوانیم؟

— چیزی ندارم کتابفروشی بسته بود.

کلیمکا تعجب کرد:

— چرا؟ مگر امروز کتابفروشی تعطیل کرده؟؟

— کتابفروش را توقیف کرده‌اند. نمیدانم چی پیشش پیدا کردند.

— برای چه؟

— برای کارهای سیاسی میگویند.

کلیمکا همینطور بصورت پاول نگاه میکرد مثل اینکه نمیفهمید

— سیاست یعنی چه؟

پاول شانه هایش را بالا انداخت گفت:

— من چه میدانم میگویند هر کس برضد تزار حرف بزند سیاست است.

کلیمکا ترسید:

— مگر همچه کسی پیدا میشود؟؟

— چه میدانم.

خبرهای کشور

جلسه هیئت دولت

ساعت ۵ بعد از ظهر دیروز جلسه هیئت دولت با حضور آقای نخست وزیر در کاخ ابیض تشکیل شد

رئیس کل انحصار برنج

آقای محمد ولی نوبان رئیس کل قماش بریاست اداره کل انحصار برنج منصوب شده اند.

رئیس اداره کل قماش بعد تعیین خواهد شد.

تعقیب کسبه گرانفروش

قرار اطلاع واصله در عرض این چند روز عده ای از کسبه گرانفروش توسط پاسبانهای شهرداری تحت تعقیب قرار گرفته و بدادگاه جلب شده اند.

اسفالت کاری خیابانها

طبق خبر واصله از شهرداری اسفالت کاری خیابان مولوی قریب به اتمام و در این چند روزه اسفالت کاری خیابان سیروس شروع خواهد شد.

خودکشی

دیروز مصطفی نام ساکن محله [illegible] بعلت فقر معلومی خود را به وسیله [illegible] مسموم نموده و در بیمارستان [illegible] فوت کرده است جسد او پس از انجام تشریفات قانونی دفن گردیده پرونده مربوطه در اداره آگاهی تحت تعقیب است

خفه شدن در حوض آب

پریروز احمد طفل ۵ ساله پسر حبیب الله ساکن محله [illegible] در حوض آب افتاده و فوت کرده است جسد او پس از انجام تشریفات قانونی دفن گردید

شرارت و چاقوکشی

پریروز حسن نام در [illegible] به حبیب الله که رفیق او بوده با چاقو حمله نموده و او را مجروح کرده است ضارب بوسیله مأمورین کلانتری ۱۰ جلب و مجروح به بیمارستان شهرداری اعزام شد.

چند روز پیش محمود فرزند حسن که با چاقو به عبدالله نام [illegible] در خیابان [illegible] حمله نموده و بشدت او را مجروح کرده بود بوسیله مأمورین کلانتری ۹ دستگیر گردید.

دستگیری سارق

پریروز اسمعیل [illegible] که از دیوار ساختمان وزارت دارائی بداخل ساختمان وارد شده و مشغول سرقت بود توسط مأمورین کلانتری مرکز دستگیر و باداره آگاهی اعزام شد

دستگیری جیب بر

چند روز پیش ساعت ۱۹ [illegible] نام جیب بر در [illegible] دستبرد جیب [illegible] بوسیله مأمورین مربوطه دستگیر و باداره آگاهی اعزام شد.

تصادفات

پریروز اتومبیل سواری شماره ۴۰ [illegible] که راننده آن [illegible] نام بود با سید قاسم [illegible] ۴۲ ساله تصادف نموده و او را سخت مجروح کرده است راننده به وسیله مأمورین مربوطه جلب و مجروح در بیمارستان [illegible] تحت درمان قرار گرفت.

ooo

چند روز پیش اتومبیل سواری شماره ۲۱۴۹ شخصی برانندگی محمد دارای گواهینامه شماره ۸۲۶۲ در خیابان لاله زار دیروز طفل ۴ ساله ابراهیم تصادف نموده و او را سخت مجروح کرده است راننده بکلانتری ۲ جلب و مجروح بیمارستان شهرداری اعزام شده

در دیوان کیفر

دیروز چهارمین جلسه [illegible] معمار و شرکاء در حضور جمع کثیری تماشاچی که موفق بورود سالن دادرسی شده بودند برحسب معمول تشکیل شد [illegible] ساعت [illegible] ۴۵ دقیقه دنباله مدافعات پریروزی خود را گرفت، نخست راجع بسوابق [illegible] خصوصی جزئی بیان کرد از آن پس بپرونده [illegible] پرداخت.

ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه وقت بدفاع از پرونده [illegible] رسید.

ساعت ده تنفس داده شد.

بعد از تنفس معمار مدافعات خود را ادامه داد.

دنباله دادرسی بفردا موکول شد

مسابقه های قهرمانی کشور

برای پیشرفت ورزشهای دو و میدانی و دوچرخه سواری از این تاریخ کارهای دو و میدانی و دوچرخه از طرف انجمن ملی پیشاهنگی و تربیت بدنی ایران به آقای احمد ایزد پناه محول گردیده است.

مژده بقهرمانان دو و میدانی و دوچرخه

قهرمانان دو و میدانی که موفق بشکستن رکوردهای قهرمانی کشور گردند علاوه بر مدال زرین درجه اول که خواهند گرفت موفق بدریافت جامهای نقره هم خواهند گردید.

تمرینهای دو و میدانی

چون مسابقات قهرمانی کشور نزدیک است تمرینهای دو و میدانی و دوچرخه سواری در هفته چهار روز روزهای [illegible] در میدان [illegible] از ساعت [illegible] بعد از ظهر عملی خواهد شد

ooo

از طرف انجمن پیشاهنگی و تربیت بدنی بورزشکاران و قهرمانان:

چون چهارمین دوره مسابقات قهرمانی [illegible] از طرف انجمن پیشاهنگی و تربیت بدنی [illegible] ورزشکاران و قهرمانان انتظار میرود اسم خود را حداکثر تا ۲۵ شهریور ماه در قسمتهای ذیل: دو و میدانی - بارفیکس - دوچرخه - کشتی باستانی - کشتی آزاد ایرانی - کشتی فرنگی - [illegible] در دبیرخانه انجمن ملی تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران واقع در خیابان [illegible] ثبت نمایند.

موافقت با درخواست مالکین شمال

برای اینکه موضوع [illegible] در [illegible] شمالی [illegible] واگذاری و مالکین [illegible] انجمن مالکین شمال نمایندگی [illegible] مالکین پیشنهاد [illegible] نخست وزیر [illegible] و آقای دکتر [illegible] کمیسیون مخصوصی در کاخ ابیض با حضور رئیس انجمن مالکین شمال و رئیس اداره املاک واگذاری [illegible] تشکیل و به پیشنهاد [illegible] رسیدگی و گزارش آن [illegible] تصمیم گرفته و موافقت شد [illegible] مالکین [illegible] ۵۵ در [illegible] واگذار گردد.

کم آبی در اراک

از اراک [illegible] شهر اراک دچار کم آبی [illegible] وزارت کشاورزی آقای مهندس [illegible] را برای بررسی به اراک اعزام داشته [illegible] بمحل [illegible] حدود ۳۵ کیلومتری شهر [illegible] و مطالعات لازم را نموده [illegible] و شورای اداری [illegible] حضور [illegible] داشت [illegible] چهل سنگ آب [illegible] بشهر آورده [illegible] هزار ریال [illegible] تقاضا کرده قرار شد تجار و مالکین مبلغ [illegible] را در بانک [illegible] سپرده و [illegible] اطلاع [illegible] که قبل از ترسیم نقشه [illegible] آورده [illegible] در حدود [illegible] ریال میباشد که یک میلیون را بانک کشاورزی و یک میلیون [illegible] ریال آنرا باید مالکان اراک بپردازند. ضمناً مهندس [illegible] برای انجام مأموریت به کرمانشاه رفته و هنگامیکه [illegible] ده هزار ریال [illegible] را بحساب بانک ملی سپارند [illegible] اطلاع خواهد داد [illegible] و مشغول عمل شود.

تلگراف وارده

جناب آقای احمد قوام نخست وزیر

کپیه ریاست مجلس شورای ملی [illegible] کپیه [illegible] روزنامه های [illegible] آزادی [illegible] ایران [illegible] پرچم - باختر - [illegible] خورشید ایران - ستاره - صدای ایران - کیهان - کوشش - [illegible] مردان کار - مردم - مهر ایران - جهان ایران - امروز

[illegible] است که روزنامه نبرد بوسیله اعلام شفاهی مأمورین شهربانی نمایندگی حکومت نظامی توقیف گردیده و از چاپخانه نیز التزام چاپ نکردن آن گرفته شده است چون [illegible] توقیف [illegible] بوده است و از طرف دادگاهی [illegible] و صلاحیت دار حکم توقیف و مدت آن صادر نگردیده و در کشور مشروطه [illegible] حکم دادگاه نمیتوان یک روزنامه ملی را توقیف کرد شایسته است دستور فرمائید دادگاه صلاحیت دار با توجه بقانون مطبوعات و حکومت نظامی علت توقیف نبرد و مدت آنرا معین [illegible] این روزنامه تکلیف خود را بداند.

مدیر مسئول روزنامه نبرد خسرو اقبال

نبرد زیر دریائیها

بقیه از صفحه اول

است. تنها بر طبق عکس محصول کشتی سازی متفقین در جنگ کنونی [illegible] از سالهای ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ بیشتر است برنامه ساختمان کشتی که از طرف دول متفق تنظیم شده بقدری وسیع است که تا حال سابقه نداشته مثلاً در سال آینده دولت آمریکا تنهائی مقدار یازده میلیون تن کشتی خواهد ساخت و چنانچه حداکثر تلفات [illegible] آنها را [illegible] متفقین [illegible] در ماه در حدود ۶۴۵ هزار تن کشتی بیشتر از تلفات ساخته و آماده میشود و دولت آلمان هرچه کوشش کند نمیتواند از این توسعه روز افزون قدرت دریائی متفقین جلوگیری نماید.

گذشته از این زیردریائیهای آلمان در نبرد برعلیه کاروانهای مهمات و اسلحه که از امریکا مرتب بسوی انگلستان و شوروی روانست نیز دچار شکست شده و نتوانسته اند در این خطوط و مواصلات خللی وارد سازند اصولاً نیروی دریائی آلمان طوریکه مقدمتاً گفته شد چون در مقابل قدرت دریائی رقبای خود ضعیف [illegible] تا حال نتوانسته است که راه دریائی خارج از قاره اروپا برای خود باز نماید و مصرف [illegible] کشور آلمان و ممالک اشغالی را از لحاظ مواد [illegible] تأمین [illegible] قشون آلمان در [illegible] مصارف [illegible] آلمان [illegible] اتحاد جماهیر شوروی کشور اخیر [illegible] حمله [illegible] کشور شوروی را [illegible] در این [illegible] یکسال [illegible] گذشته را با منتهای [illegible] هلاکت و بیچارگی تحمل نمودند لکن [illegible] زمستان ۱۹۴۲ در کمین [illegible] اقتصادی آلمان [illegible] قدرت تحمل [illegible] ضربه های مرگ [illegible] و مردمان [illegible] آلمان و اروپا از این [illegible] ملاحظه خواهند [illegible]

اقتباس از اخبار

در انتظار جبهه دوم

اولین اندیشه هیتلر طی جنگ کنونی این بود که حتی الامکان نیروهای عظیمی را برای نابود ساختن کشورهای بیطرف و یا آنهائیکه هنوز حاضر بسازش نبودند بکار برد. نقشه وی چندین مرتبه با موفقیت قرین گردید. لکن امروز نازیها مورد تهدید جبهه جدیدی و یا دستبردهای شدیدی واقع شده اند از آن قبیل دستبرد دیپ که روز ۱۹ اوت برعلیه دیپ وقوع پیوست و در نتیجه آنها مجبور برویه ای احتیاط آمیز شدند و با نظری بنقشه اروپای باختری فهمیده میشود که آلمان ها بایستی برای مواجهه با هر گونه پیش آمدی از شمالی ترین نقاط نروژ تا جنوبی ترین بنادر فرانسه نیروی کافی در اختیار داشته باشند و چون در نظر بگیریم که هیتلر هر ساله ۵۰۰۰۰۰ نفر از جوانان آلمان را زیر پرچم فرا میخواند و آنرا با [illegible] در جبهه شوروی مقایسه کنیم خواهیم فهمید که نیروی ذخیره او تا چه حد تقلیل یافته است با این وصف هنوز وی دارای نیروی ذخیره قابل ملاحظه ایست

امروز در باره نیروی آلمان متمرکز در کشورهای اشغالی بحث میکنیم. ژنرال فالکن هورست فرمانده ارتش آلمان در نروژ [illegible] دستبردهای انگلستان [illegible] و ۴۰۰۰۰۰ سرباز تحت فرماندهی وی بدون شک کافی برای حراست کرانه های طویل آنکشور از دستبرد های متفقین نخواهد بود. در کشورهای فرانسه، هلند و [illegible] ۶۵۰۰۰۰ سرباز آلمانی جهت دادن سازمانهای داخلی و مقابله با دستبردهائی از قبیل دیپ و سن نازر متمرکز شده اند و مارشال فن روندشتت بفرماندهی این ارتش برگزیده شده است.

در یوگوسلاوی نیز موقعیت نازیها برای مقابله با [illegible] مارشال میخائیلوویچ [illegible] وخیم بنظر میرسد. در [illegible] نیز [illegible] نیروی قابل ملاحظه ای از آلمانها گرد آمده است. حتی در ایتالیا نیز ۴۰۰۰۰۰ سرباز آلمانی برای حفظ و حراست کشور موسولینی جمع شده اند.

تمام این نیروها اکنون در انتظار جبهه دوم بسر میبرند [illegible] متفقین در [illegible] محل گشایش [illegible] پیاده خواهند کرد که در محل [illegible] زمینی و هوائی آلمان باشند [illegible] هیتلر سعی میکند که [illegible] احتمالی قوی باشد لیکن ناپلئون گفته است که اگر ما بخواهیم همه جا قوی باشیم ناچار همه جا ضعیف خواهیم بود

در مجلس

جلسه ۸۵ - ۲۱،۶،۳۱

شروع ساعت ده و نیم

صورت جلسه قبل علی المعمول خوانده شد. ساعت یازده و ربع کم هیئت وزراء با وجود آقای نخست وزیر وارد شدند.

جرم مشهود

آقای اوار با عصبانیت شدیدی راجع بجریان محاکمه [illegible] اعتراض نموده گفتند یکی از وکلاء ارمنی در دفاع خود بمذهب اسلام توهین نموده و یکی از وکلاء دیگر [illegible] با لحن موهنی صحبت کرده و یک وکیل دیگر، دادستان و رئیس محکمه توهین رسمی نمود (صحیح است) این جرم مشهود است چرا جلوگیری نمیشود؟! اگر بگوئیم اینها را دولت دستور داده که گمان نمیکنم دولت آقای قوام چنین کاری کرده باشد و اگر دولت سابق هم کرده چرا دستور منع آن داده نمیشود. (در این حال که اشک در چشمان ایشان حلقه زده بود) آخر چگونه ممکن است تحمل کرد که بمذهب ما توهین شود باید از این اعمال جلوگیری شود.

(عده‌ای نمایندگان صحیح است)

کلمات رکیک بجای دلیل

آقای [illegible] خواستند اظهار آقای اوار را تکذیب کنند هنوز شروع نکرده آقای [illegible] با لحن شدید گفت بنشین بیجا لازم نیست و مانع از صحبت کردن ایشان شد.

تقاضای چاپ سیصد ملیون ریال اسکناس

آقای وزیر دارائی پس از بیانات و تشریحاتی لایحه درخواست اضافه چاپ اسکناس با قید دو فوریت را تقدیم داشتند

دو فوریت

آقای [illegible] با فوریت لایحه مخالفت کردند.

آقای اوار و منشور و بعضی دیگر از نمایندگان موافقت و رای گرفته شد هر دو فوریت تصویب شد

خشت اول گر نهد معمار کج!

آقای کازرونی شرحی اظهار داشتند که ابتدای کار بد شروع شده و آقایان مشرف نفیسی و [illegible] طرح [illegible] قبول کرده اند که تمام احتیاجات ریالی دولت انگلستان را برآورند و این قبول خارج از توانائی مالی کشور است و این ضرر را خواهند [illegible]

(خشت اول ۰۰۰۰۰ الخ) و پیشنهاد کردند که دولت انگلستان آنچه که میخواهد ریال [illegible] یکجا بگیرد و در مقابل طلا، نقره یا هر جنس دیگری بدهد و بعد راحت باشیم هر روز مقداری پول از ما نخواهند.

آقای [illegible] اظهار داشتند که این پیشنهادات را دولت در نظر داشته و اقدام خواهد کرد

موضوع بدون محصول

آقای [illegible] پس از تعریف از کابینه آقای قوام و [illegible] از آقای [illegible] اظهار تأسف نمودند که با این لایحه مخالفت دارند ولی این کار مخالفت با کابینه آقای قوام تلقی نشود [illegible] مخالفت با لایحه که بطور خلاصه [illegible] است:

۱- مطالبی که راجع بچاپ اسکناس برآنها استوار گردیده است از قبیل قرارداد مالی سابق با انگلستان و غیره صحتش معلوم نیست بنابراین لایحه مبتنی بر حکم موضوعی است که محصول آن ثابت نیست؛

۲- باید از بودجه مملکت [illegible] مخارج سربازان خارجی ۳۰ ملیون تومان خرج کرد

۳- مطالبی که در اخبار داخلی و خارجی روزنامه ها دائر بر اینکه

مخارج و احتیاجات قشون انگلیس

مهاجرین از خارج ایران مأمور

اضافه گندم و غیره با [illegible]

پرداخت های مرتب [illegible]

اگر ما مخارج خود را [illegible]

پولها را برای چه از [illegible]

میگیریم.

۴ – اگر بگوئیم بودجه [illegible]

میخواستند دولت [illegible]

حد و حصری ندارد و مرتباً نگرانی

شود. علاوه دلائل و نتایج توضیحات

آنرا مهمه آقایان متخصص [illegible]

واگذار میکنم.

معامله ارزان اظهر امیشود

آقای اوار طور موافق [illegible]

میکردند دائر بر طرز معامله [illegible]

انگلستان در خاتمه گفتند هر [illegible]

ما وجدان معامله را میکرد [illegible]

(در ضمن آقایان افشار و [illegible]

وی اعتراض کردند وی فریاد [illegible]

که آقای رئیس چرا زنگ [illegible]

بلافاصله زنگ رئیس صدا در آمد

خلاف قانون است

آقای دکتر جوان طور [illegible]

اظهار کردند که اگر ریال [illegible]

پول حالا با [illegible] خواهند [illegible]

است علاوه راجع قرارداد مالی [illegible]

خلاف قانون نرخ داده است زیرا

قانون تصویب شده در صورتیکه [illegible]

آن عمل شده و حالا هم [illegible]

استناد آن عمل کنیم و [illegible]

قانون است.

[illegible] شود

آقای معدل [illegible]

لایحه ذکر کردند وضعاً اظهار [illegible]

یک مطالبی است که باید [illegible]

گفته شود مردم که میخواهند [illegible]

تصور میکنند و ایجاد نگرانی [illegible]

کرد. مسئله ورود قوای خارجی

امر اتفاق افتاده است جای [illegible]

اینها است. امروز قوای [illegible]

انگلستان مثل سابق در مقابل [illegible]

نداریم باید تقاضای ما از دولت [illegible]

امکان وی باشد.

ما موقعیکه رای اعتماد بدولت [illegible]

دادیم همه این اشکالات را [illegible]

پس نباید ایجاد نگرانی شود

آقای فرمانفرمائیان هم [illegible]

همین زمینه بود.

قرائت پیشنهادات

پیشنهاد آقای معدل [illegible]

و مسترد گردید پیشنهاد آقای [illegible]

دائر بر تجدید و تعیین نرخ [illegible]

خواهد و در اطراف آن توضیح [illegible]

شد. آقای کاظمی بیان کرده [illegible]

پشتوانه اسکناس [illegible]

بحث و دولت در زمینه جلوگیری [illegible]

از اضافه نرخ اقداماتی کرده [illegible]

و پیشنهاد آقای [illegible]

[illegible] مبلغ ۳۰ ملیون تومان [illegible]

و تشریح شد و مسترد گردید [illegible]

پیشنهاد کرد که عبارتی از مقدمه [illegible]

شود و پس گرفت پیشنهاد آقای [illegible]

[illegible] خارج کردن [illegible]

اسکناسها پس از یکسال [illegible]

قرائت شد و مسترد شد لایحه [illegible]

باوراقه رای گرفته شد.

۸۷ حاضر ۷۵ موافق ۵ [illegible]

[illegible] تصویب [illegible]

نظامنامه وظیفه دستور جلسه

آقای طباطبائی تقاضا کرده [illegible]

لایحه نظام وظیفه جلو [illegible]

گردد و [illegible] لایحه متمم [illegible]

[illegible] و قبول شد

انتظار رئیس و انتخاب

آقای رئیس اعلام کردند که روز [illegible]

شنبه ساعت ده و نیم جلوس [illegible]

خواهد بود و عده برای حضور [illegible]

انتخاب شدند

جلسه یک ساعت بعد از ظهر [illegible]

و جلسه آتیه سه شنبه [illegible]

خواهد بود

آگهی

شرکت سهامی بیمه ایران یک [illegible] ماشین نویس درجه ۱ از طریق امتحان و مسابقه که سابقه خدمت [illegible] داشته باشد [illegible] داوطلبان بدفتر شرکت سهامی بیمه ایران مراجعه نمایند.

شرکت سهامی بیمه ایران

عباس اسکندری

ش — ۳۰۰ ۲ — ۲

www.iran-archive.com